

رؤیای کشور کردستان

غرب و شرق پیوسته در جستجوی تعادل خویش اند و هرگز به آن نرسیده اند زیرا جهانگشائی به غرایز بشری نزدیک تراست تا جهاننداری. غافل از آنکه نفی دیگری نفی خویشتن است.

پنج واقعه + 1

1- در سال 1973 سول کوهن Saul COHEN تقسیم بندی تازه ای به خیال خود برای مناطق و منطقه بندی جهان بدست داد تا توجیهی بر جهانگشائی جدید باشد و طی آن خاور میانه را منطقه ای درهم لقب داد هندوستان را مستقل- اروپای غربی و امریکا و استرالیا را دنیای وابسته به تجارت دریائی نام داد. و چین و روسیه را قدرت قاره ای اورو آسیا یعنی Heartland قلب زمین نامید. ملاحظه می کنید این تقسیم بندی همگون و همگن نیست. پس منطق ندارد ولی با منطق ژئوپولیتیک غربیان سازگار است.(1)

2- در سال 1997 جفری کمپ G. Kemp برای تعادل غرب تقسیم بندی نفتی خاصی را ارائه داد که طی آن از شمال به جنوب از روسیه شمالی آرالی به کاراخستان و خزر و ایران و عراق و خلیج فارس و عربستان را در یک بیضی نهاد و اسم آنرا هم نهاد Heartland البته نوع نفتی آن. (2)

3- در همان سالها آقای ساموئل هانتینگتون Samuel Huntington کتابی مسطتاب نوشت که همه رسانه ها آنرا بگوش ها رسانیدند بنام برخورد تمدن. و در برابر آن هزاران مقاله و کتاب پدید آمد که به نظریه گفتگوی تمدن ها منتهی شد ولی برخورد تمدن ها جاری شد و تحقق یافت و گفتگوی تمدن ها در توقف ماند (1) که برخورد را امریکا و گفتگو را سازمان ملل خواسته بود.

4- در سال 2000 پنتاگون گزارشی انتشار داد در بررسی تعادلات جهانی و در آن اثبات خطر قدرت گیری چین را بر نمود و سال 2020 را نقطه عطفی در روابط و تعادل جهان اعلام کرد (2).

5- در سال 2006 رئیس جمهور فعلی فرانسه نیکلا سرکوزی اعلام کرد که ترکیه نباید وارد اتحادیه اروپا شود و بهتر است در اتحادیه ای از کشورهای مدیترانه ای عضو باشد و در ماه اکتبر 2007 در مراکش به این مهم باز آمد که در کش و واکش آن هستیم.

6- در سال 2003 پرزیدنت بوش از دولت ترکیه خواست به عراق لشکر فرستد. ترکیه نپذیرفت. ولی 60 درصد پروازهای هواپیماهای امریکائی از آسمان ترکیه میگذرند پرزیدنت بوش کمک مالی به ترکیه را قطع کرد ولی از اروپا در سال های 2005 و قبل آن خواست تا عضویت ترکیه را بپذیرد. ژاک شیراک رئیس جمهور وقت که موافق اصولی این امر بود ولی گفت ترکیه به اصلاحاتی نیاز دارد که 15 تا 20 سال وقت می گیرد.

جهانی شدن طالب حرکت آزاد سرمایه ها و کالاها و اطلاعات است. و این هدف نهائی دسترسی به تعادل جهانی است. بزعم غرب.

the Clasn of civilization – S. Huntington -1
Foreign Affair – 1993 – oxford

-توضیح لازم آنکه همکار و دوستم آقای دکتر پیروز مجتهد زاده در کتاب جغرافیای سیاسی چاپ 1381 نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها موسماً این نظرات را با توجه به شرایط ایران امروز پرورده اند.

2- این گزارش را در بسیاری از مقالات در جراید نیمروز – ایرانیان و در کتاب مجموعه مقالات باز و شرح داده ام.

فوریت یکم

اما در حال حاضر فوریت برسر تعادل در دستیابی به ذخایر نفتی است. بدیهی است تعادل ذخیره نفتی هر کشور مساویست با تعداد قرار دادهای نفتی با کشورهای دارنده نفت و این میسر نمی شود مگر آنکه آن کشورها هم در جرگه و خانواده سیاسی آنها باشد. اینک عامل قدرت بازار در کار قیمت گذاری بر عامل اتحادیه هائی مثل اوپک می چرخد. ولی این هست که فوریتی است در غرب بر کار نفت و برمه‌ار داشتن چین و روسیه که عربستان و عراق و ایران را در خانواده غرب جستجو می کند در این صورت این سؤال هم می تواند مطرح شود که آیا تحریک کردها هم گزینه ایست؟! یا نه؟ (1)

با توجه به عوامل فوق است که به نظر من باید مسئله ترکیه و کردها را بررسی کرد. و صلح را نه تنها برای آنها بلکه برای خاور میانه خواست و در این راه سریعاً سازماندهی کرد و به دفاع برخاست.

آن نکات که در بالا اشاره کردیم نقطه نظر طالبان و طامعان غربی بر منابع و بازار شرق است. اما شرقی ها هم حرفی دارند. غیر از آن رسم نفی یکجای غرب یا اطاعت از آن. به همانگونه که دخالت غرب مسلم و حتمی و طبیعی است در بعضی تجزیه و تحلیل ها اختلافات با شرق هم طبیعی است.

آیا باید پیوسته از بود خود کاهید و بر بودن آنها افزود، در بررسی ها؟

چه کسی منکر گرد و حقوق گُردهاست؟ چه کسی از گرد و بومی گرائی مسئله ساخته؟ دوست گرد یا تُرک کیست؟ بغیر از خودشان که در یک سرزمین باهم مقابله ها کرده و مفاخره ها هم آفریده اند در امپراطوری های مختلف ایرانی، اسلامی، عثمانی. پس شریک هم اند در ضرر و نفع.

حق این بود که - عثمانیان که از اسلام و ویژگیهای قومی خود نظامی ساختند مزاحم شرق و غرب و مانع ارتباطات طبیعی سه قاره افریقا و آسیا و اروپا، اسلام بنیاد گرا ملاط آن امپراطوری بود. ترکیه امروزی و تمام سرزمینهای سابق عثمانی به تقلید از اروپا نظام دولت ملت را ملاط هویت کرد. انگلستان از انواع ناسیونالیزم (عربی و ترکی و غیره) دفاع کرد.

1- پرزیدنت بوش بارها گفته است در مورد ایران هیچ گزینه ای را کنار نمی نهد. (کلیه جرایدمهم جهان). ایشان همچنین گفته اند نبرد امریکا برای خاورمیانه بزرگ جنبه ایدئولوژیک دارد (بتاریخ 2007/1/11)

غافل از اینکه این در همه جا شدنی نیست و نمی شود قومی را برکشاند بدلیل قدرت سیاسی موجودش و قوم دیگر را در بوته فراموشی و عزلت قرارداد. مصفی کمال فکر می کرد جمهوری لائیک ترکیه: ارامنه و آسوری ها کردها را در خود ذوب می کند پس هر چه توانست خود را اروپائی نشان داد و چنان تند راند که بدام آلمان هیتلری هم افتاد. اعراب سعودی و عراقی و غیر سعودی هم با ناسیونالیسم وهابی گرای خود به همین دام نزدیک شدند. حق این بود که آن مرد بریده از خلافت اسلامی از نظامی فدراتیو برای کشور خود دفاع می کرد. ولی شاید می ترسید حمایت نشود. یا ندید. آیا تاریخ سرزمینهای مفتوحه عثمانی با پیش از آن سلاجقه را در یاد نداشت؟ بعید است آیا ملل محل را فراموش کرده بود؟ ملک فیصل در 15 ماه مه 1919 در نطقی گفت: «مردم آسیا همه عرب زبان اند.» (1) در همین نوع پنچریها بود که یکسال بعد سنای امریکا قیوموت ارامنه بلا دیده از عثمانیان را رد کرد. و 10 سال بعد (1929 پانزدهم ماه مه) نفت کرکوک کشف شده اعلام گردید ولی این کشف مربوط به تحقیقات ژاک دو مرگان است که زمین شناسی قصرشیرین را بشمر رساند و شرح آن در اثر معروف او بنام مأموریت علمی در ایران (2) آمده است. (به سالهای 93-1885) البته انگلستان امتیاز را برد و مورگان مدتها به دلایل واهی خانه نشین شد.

و ده سال بعد راه آهن توروس به موصل رسید و کشورهای دارنده نفت از جنوب خلیج فارس تا کردستان خود مختار امروز عراق گنجینه طلای سیاه غرب شد. (4) فشار به کردهای عراق و ترکیه رهبران آنها را متوجه اتحاد جماهیر شوروی کرد. (1) اگر امروز P.K.K گرایشهای تند مبارزه مسلحانه دارد و مارکس را الهام دهنده مبارزات می داند (5) این پدیده ریشه در فشارهایی دارد که ترکیه جدید بنام ناسیونالیسم بر آنها وارد کرد. اگر امروز P.K.K قدری از باب همین مسلح بودن مورد تعقیب ترکیه و مورد ملامت و نصیحت های برادرانه جلال طالبانی رئیس جمهور عراق اشغالی است از آن بابت است که این متعصبان راه جدا سری نخواستند بعد سقوط شوروی استراتژی مبارزه تقلیدی را عوض کنند و با نفوذ بحق در افکار عمومی احقاق حق کنند به شیوه ای قانونی و مردمی.

1- Pierre Rondot - نشر Centurion - 1929 که در منطقه خدمات و مأموریت ها داشته است.

2- تک: جغرافیای شمال - جغرافیای غرب - زمین شناسی ایران - اثر ژاک دومورگان J. De Morgan که وسیله نگارنده به فارسی برگردان شده است - نشر خبر تبریز و دانشگاه تبریز 1339

3- ملا مصطفی بارزانی پناهنده شورویها تنها در 1958 به عراق بازگشت

4- اصطلاح از نویسندگان فرانسوی است Toison D'or فرانسوی است

5- تک: مقاله و گزارش تحلیلی O. Piot در بوته زارهای کردستان - لوموند دیپلماتیک نوامبر 2007

اگر امروز 60 درصد آراء کردهای ترکیه را حزب عدالت A.K.P. ترکیه در انتخابات نصیب خود می کند این امر ریشه در جدا افتادن حزب P.K.K. از افکار عمومی کردها دارد. این انجماد سیاسی است که ترک ترکیه کند با ترکیه در افتد. پایگاهی در کردستان عراق دست و پا کند چه می توانند عراقی ها برای آنها کنند؟ چرا اقوام همسایه همدیگر را درک نکنند و میانجیگری از قدرتی که در پانزده هزار کیلومتری است و منطقه را آسیب رسانده بجویند.

اطلس جغرافیای تاریخی ایران (نقشه شماره 6- چاپ دانشگاه تهران در سال 1971) جای تاریخی امروز کردستان ترکیه را زیر نام کردوخ مشخص داشته است. بنابراین ترک میهن و سرزمین اصلی و به بهانه برادری کردی رفتن به عراق انتخاب درستی از لحاظ سیاسی نیست و P.K.K. مسئول این انتخاب است زیرا خود را تحت تأثیر نبردهای ذهنی چگوارائی حبس کرده است.

دو عامل نظام قبیله ای و تعلیمات مارکسیستی P.K.K. را به سمت همان دیکتاتوری می برد که از آن به ستوه است. برای کردها بهترین اسلوب مبارزه ماندن در سرزمین آباء و اجدادی و قبول شیوه های امروزی مبارزه است. این سلحشوران در هر کشور که هستند می توانند منادی آزادی همان کشور باشند. در غیراین صورت خطرات بسیار نصیب مردم خود کرده فرصت بسیار مناسب به دست طامعان نظریه باز نفتی می دهند.

تحریکات

غرب تحریک کرده و می کند زیرا باید نفوذ کند. دیروز شورویها هم همین کار را می کردند. اگر امروز P.K.K. در لیست سازمان های تروریستی امریکا و ناگزیر از تماس هم هست این پدیده ریشه در تحریکاتی دارد که آنها را چپ گرا و افراطی کرد.

در این تحریکات بسیاری از نظریه پردازان غربی دست دارند زیرا بجای روشن کردن اذهان تند و تند در باب کشور کردستان بزرگ نوشتند و حتی نقشه آنها هم سرسری چاپ کردند(1) اینها همانها هستند که خاورمیانه را صفحه و صحنه بازی Damier قدرتهای بزرگ می نامند در آثارشان و نه سرزمینیهای خاورمیانه.

1- از جمله نقشه های سردستی کردستان در ضمیمه 1 کتاب آقای پیر روندو P.Rondot بنام سرنوشت خاور نزدیک است سرنوشتی که دیگران و نه خاورمیانه و نزدیک رقم می زنند.

رهبر قدیمی P.K.K. تحت شرایطی امروز می گوید مخالف مبارزه مسلحانه و چپگرایی های P.K.K است. او را باید آزاد داشت تا ضمیر سیاسی خود و اقدامات تازه را به ثمر رساند. وگرنه سخن او را تعبدی تلقی می کنند.

دولت ترکیه سودی از تحت نظر یا زندانی داشتن او نمی برد. برعکس موجب محبوبیتی می شود که متعصبان را تغذیه می کند.

در این تحریکات عوامل قدرت های ذینفع در خاور میانه دست و نقش دارند. این عوامل آنها را تروریسم را رسماً نفی و به آن اعلام جنگ می دهند و وقتی تروریست را به آنها طبق لیست خود آنها نشان می دهند مماشات می کنند.

در این تحریکات آنها که اطلاعات اشتها تیز کن به مبارزان مسلح می دهد و مثلاً می گویند نفت همه جا هست پس بجنبید و کشور کرد را تشکیل دهید دست دارند در حالیکه می دانند که نفت شمال عراق در اراضی 480 کیلومتری از سطح دریا شاید باشد و نفت موجود در سرزمینهای بالای 2200 متری اگر هم باشد شدنی نیست.

در این تحریکات آنها که می خواهند از مبارزی بنام اوچلان میرلوروزی یا امیر دروغین بسازند دست دارند.

در این تحریکات آنها که رفتار و تدبیر صلاح الدین ایوبی و لوئی یازدهم را بد تفسیر با یکسویه تعبیر میکنند دست دارند. لوئی یازدهم از صلاح الدین ایوبی شکست خورد ولی تسلیم نشد. صلاح الدین ایوبی مردانه ترین رفتار را با او کرد و روابط فرانسه با قلمرو ایوبی بهبود کامل یافت. و این پیروزی شرق بود به شیوه ای انسانی.

مبادا تصور شود که هدف ما در این سخنان اندرزاست. هدف اصلی محو و شکستن نعره جنگاوران در گلولی آنهاست زیرا خاور میانه به مردانی بزرگ و سیاسیونی متأمل و دور اندیش نیاز دارد و چنین مردان در میدان های جنگ در اشغال ها در حقد و حسدها نمی رویند. این است که باید برای صلح، فکر صلح، عمل به صلح ذهن ها را تربیت کرد. که از آنهمه جنگ و انقلاب و کودتا سودی عاید نشد. آنها که تاریخ خاورمیانه را تاریخ جنگ 72 ملت خواندند. و هفتاد و سومین را هم آفریدند که بنیاد گرایی وهابی و سلفی است و مقلدان آن و بعد دو جنگ جهانی مستعمار دو جبهه جنگ گشودند و در فکر جبهه سوم اند.

1- نک: P.Rondot - اسلام مسلمان امروز نشر orqngne تنها برتری آن در این است که نویسنده شارح وقایع نیست و غرب مداخله گر را در برابر شرق عصبانی و تحقیر شده می نهد.

وقتی ترکها به خاور میانه آمدند کردها اینجا مسکن و سرزمین و فرهنگ خود را داشتند امروز خاورمیانه حاصل ازدواج های مکرر است (1) مبادا ما را به برادرکشی کشانند (2) هر چه منابع را به زمان خود و به زمان حال بیشتر می نگرید داورپها نفتی تر می شوند. باید به هوش بود. و این هدف محتاج یک سازمان دهی است که امیدوارم مقدمات آن فراهم شود.

در شرایطی که تحریک کردها و حتی تحریک ترکها رفته رفته تبدیل به گزینه ای برای گشودن جبهه ای جدید می شود یک حرکت مردمی در سراسر خاورمیانه و جهان برای دفع جنگ ضرور می نماید.

حرکت برای صلح

این حرکت محتاج نفوذ دادن فکر صلح در مردم عادی است. مراد از سازماندهی نه آن نوع سازمان است که دستی در جیب عقب آتشبیاران دارند. نه آن سازمانی است که به جمع آوری امضاء در کوچه و بازار و خیابان ها و یا بر صفحه انترنتی آن امضاها را بنمایاند. همچنین نه آن سازمانی که تأثیر بخشی خود را به مدد سیمای خوش چند هنرمند سینما تأمین کند. مابه سازمانی نیاز داریم که هر جا باشد با مردم همانجا به صلح نشیند و از آن گفتگو کند. نفوذ دادن فکر مهمتر از پز دادن باسم و عنوان مشاهیر. ما میتوانیم بی اعتنا به عنوان ولی با اعتماد بخود مشقت مدافعان دروغین حقوق انسانی که اینک زیر پوشش میلیتاریسم انساندوستانه اند را وا کنیم و به مردم با حوصله و صمیمیت برسائیم که قدرت حرکت را در جایی جز در باور خود نپندارند. در چنین سازمان شیوه کار محلی است نه دستوری. هر جا هرکس مخالف جنگ است بهتر است شعار خود را بسازد. نه تهدید نه تحقیر گفتگو برای رفاه و صلح نه اشغال و زیر و رو کردن سرزمین ها. بیگانه برون خانه و هر کس به خانه خود. این است باور به صلح.

ممکن است حمل به ساده نگری شود ولی عقل و خرد و هوش و شعوری که در خدمت جنگ باشد همان تروریسم تاریخی است.

1- نک: تمدن ایرانی- نشر Payot = پاریس 1952

2- هر جا مسئله یا مسائل ترکها و کرد ها مطرح است . ما در جوار آن و بلافاصله باید مسائل و مصائب ارامنه و آن قتل عامهای تاریخی و ستمی که بر آسوری ها رفت را عنوان کنیم. اگر نمونه ای از این ستم ها را می جویدید به کتاب «بازمانده اثر دکتر رزماری هاراتونیان- ترجمه زهره باوندی» رجوع کنید.

در حالیکه این سخنان نوشته و گفته می شود در چند پایتخت مهم مذاکره هائی برای فروش اسلحه در جریان است. هیچکس در رقابت با دیگری نیست بازارها قبلاً تقسیم شده است. آنکه می فروشد خوب می داند برای چه می فروشد و آن که می خرد نمی داند چرا می خرد ولی می داند که باید بخرد. هدف این معاملات دو چیز است تأمین کسری عظیم بودجه ها و رفع بدهی ها و تدارک جنگ های محلی. اما اولی برای کسب رأی است در کشور مربوط . و دومی نیاز به تحریکات دارد تا به جنگ و مصرف سلاح برسند. خاور میانه موضوع این تحریکات است. تنها باور مردم به ضرورت مقاومت برای صلح است که صلح را تحقق می بخشد.

توضیح و مسامحه

پیشمرگان بعد تجربه P. K.K. در 1984 به کوه زدند و به تمرینات رزمی پرداختند یعنی که این افراطی ترین ها و رؤیا گرایان بودند. بسیاری از آنها برای دیدن دوره ها به فلسطین به اردوگاه ها رفتند. طی سالها ی 90- 1980 کادر رزمندگان روبراه شد در سال 1993 رئیس جمهور ترکیه تورگوت اوزال Turgut Ozal با مجاز ساختن فعالیت های حزبی و سیاسی اعضای مسلح P.K.K. موافقت کرد و یکسال بعد حزب هوا دار کردها H.E.P. دارای نماینده در پارلمان شد. ولی در 1999 عبدالله اوچلان دستگیر شد و در جزیره ایمرالی Imrali زندانی شد. او پایان مبارزات مسلحانه را اعلام کرد. حزب P.K.K. تغییر نام داد (2002) و تبدیل شد به کنگره آزادی و دموکراسی کردستان K.A.D.E.K. ایدئولوژی سخت افراطی (مارکسیسم - لنینیسم و ناسیونالیسم آمیخته با مبارزه طبقاتی) رها شد سپس حزب D.T.P. در 2005 متولد شد این حزب اطلاق صفت تروریست را بر P.K.K. را رد کرد. با اینهمه در ژوئیه 2007 در مجلس آنکارا دارای 20 کرسی شد. ولی 3000 پیشمرگ در عراق نگهداری شدند و 2000 هم در خاک ترکیه ماندند. مبارزان مسلح کوههای زاگرس به ریاست مراد کارایلان Mourat Karayilan و تعلیمات چگوارائی او بسر بردند.

در این حال دولت ترکیه با بغداد مذاکره کرد و هر دو این گروهها را در لیست تروریست می دیدند. باقی را می دانیم. پارلمان آنکارا به دولت اجازه قلع و قمع آنها را داد. قشون ترکیه در طول مرز با عراق مستقر شد.

حزب P.K.K. به رؤیای قدیمی خود «کشور کردستان» شامل همه کردهای ترکیه، ایران، سوریه ، عراق معتقد بود اما رفته رفته به نوعی خود مختاری رضایت می داد.

در کردستان عراق P.D.K. و U.P.K. (اولی حزب دموکرات کردستان- دومی اتحاد میهنی کردها) P.K.K. را اداره می کند و هر دو حزب متفق امریکایند.

زن و مرد در جمع پیش مرگان اند (چهل درصد زن عضو ارتش آزادی بخش اند). این مبارزان در ارتفاعات 2000 متری و بیشتر چادر نشین و در پناه بوته زارها و درخت های پراکنده می زیند و مشرف به مرز اند. بسیاری از جوانان از کردهای ترکیه و جمعی هم از کردهای سوریه اند و یا از کردهای ایران و عراق. از سالهای دبیرستان جذب این رؤیای کشور کردستان اند. گاه با این رؤیا پیر می شوند ولی تازه ترها جانشین آنها می شوند.

اینها چریک واقعی اند و سر به فرمان. و باور دارند که اگر ترکیه جنگ آغازد همه کرد ها قیام می کنند. (1) و (2)

هفته ای پیش نخست وزیر ترکیه برای مذاکره به واشنگتن رفت از این مذاکرات نتایجی بدست نیامد. مگر آنکه سکوت فعلی را حمل بر توافقی موقت کنیم. بهر حال زمستان در پیش است و فصل جبهه آرائی نیست.

1-P.K.K. از سال 1977 در فهرست سازمان های تروریست امریکا قرار دارند و اتحادیه اروپا هم از 2002 این لیست را پذیرفته است.

2- در پایان جنگ جهانی اول متفقین طی قرارداد Sevres (1920) ایجاد یک دولت کرد را پیش بینی کردند. اما سه سال بعد در 1923 در یافتند که شدنی نیست پس به شکل تاریخی آن برگشتند یعنی وابستگی آنها در چهار کشور ترکیه و سوریه و عراق و ایران.